



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در نساجی ایران دوران مشروط

میرزا حسن خان مشیرالدوله



خدمت مدتی نگذشته بود که میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر خارجه در پاریس درگذشت و میرزا نصراله خان به واسطه خوی اطاعت محضی که داشت به پیشنهاد اتابک و تصویب مظفرالدین شاه به وزارت خارجه منصوب و لقب مشیرالدوله هم از آن او شد.

میرزا نصراله خان که سرمایه علمی اش یک خط و سواد متوسط معمولی بیشتر نبود در شغل مهم وزارت خارجه که کار قرضه های سنگین و کارهای مهم دیگر در پیش داشت دستیاران مطلع و مورد اعتمادی می خواست به همین مناسبت حسن پیرنیا را از روسیه احضار کرد و به ریاست دفتر وزارت خارجه برگزید و لقب «مشیرالملک» را برای او گرفت. مشیرالملک به زودی منشی مخصوص و مترجم اتابک هم شد و چون زبان های فرانسه و روسی را به خوبی می دانست واسطه بین اتابک و سفارتخانه ها شد. او مذاکرات سیاسی اتابک و سفارتخانه ها را به اطلاع پدرش نیز می رساند و پدر را از اسرار صدراعظم آگاه می کرد.

مشیرالملک در این زمان به فکر تأسیس مدرسه علوم سیاسی افتاد او می خواست مکتبی بنیاد شود که برای وزارت خارجه، مأموران مطلعی تربیت نماید و حقوق بین الملل و حقوق سیاسی و مناسبات بین دولت ها و ترتیب عهدنامه ها و قراردادهای سیاسی به آنان آموخته شود به همین هدف با کمک پدرش و با پشتیبانی

میرزا حسن خان فرزند میرا نصراله خان مشیرالدوله نائینی است.

حسن پیرنیا هنگامی که پدرش منشی میرزا ابراهیم خان معاون کارگزاری آذربایجان بود، در سال ۱۲۹۰ قمری در تبریز متولد شد. مادرش دختر حاج میرزا تقی آجودان کارگزاری آذربایجان بود.

حسن پیرنیا در سال ۱۲۹۷ به اتفاق پدر، مادر و دو برادر کوچکش (حسین و علی) به تهران آمد و به تحصیل فارسی و مقدمات عربی مشغول شد. همین که میرزا نصراله خان در وزارت خارجه ترقی کرد و لقب «مصباح الملک» گرفت و حقوق و مداخلش فزونی جست با کمک و تشویق اتابک بر آن شد که فرزندان خود را برای ادامه تحصیل به خارج اعزام دارد و به همین منظور حسن پیرنیا را به روسیه فرستاد.

پیرنیا در مسکو به مدرسه نظامی «کادکسی کریوس» و پس از سه سال به دانشکده حقوق مسکو درآمد و تحصیلات خود را در رشته حقوق سیاسی به پایان رساند. مصباح الملک که در این اوقات لقب «مشیرالملک» گرفته و متصدی کار پر سود وزارت لشکر بود، از میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر خارجه و اتابک تقاضای شغلی برای حسن پیرنیا نمود و به دستور اتابک به سمت وابسته سفارت ایران در پترزبورگ تعیین شد اما بر این

اتابک، شاه را (که به تأسیس مدارس جدید شوق داشت) راضی به این کار کرد و در سال ۱۳۱۷ قمری مدرسه علوم سیاسی با سالی ۴ هزار تومان بودجه در محل دارالفنون گشایش یافت و مشیرالملک به تدریس حقوق بین المللی و حقوق سیاسی پرداخت. بودجه این مدرسه از محل درآمد معادن فیروزه خراسان تأمین می شد.

مشیرالملک در ریاست دفتر وزارت خارجه، نظام نامه ای برای ویزا و سایر گواهی های مورد نیاز اتباع ایران در خارج تنظیم نمود که به وسیله وزارت خارجه به کلیه کنسولگری های ایران در خارج ابلاغ و عملی گردید.



صحن حضرت عبدالعظیم و سپس به قم فراهم آورد.

در این حوادث مشیرالملک به اقتضای روشنفکری و تحصیلات عالی خود، طرفدار آزادیخواهان شد و به اتفاق برادرش حسین موتمن الملک افکار پدر را آماده کمک به مشروطهخواهان کرد گرچه میرزا نصراله خان با طرز فکر عقب مانده خود نمی توانست آزادی خواه باشد لیکن در خلال قیام مخالفان دولت واقعه ای پیش آمد و مشیرالدوله و دو پسرش را وادار کرد تا محرمانه به یاری مخالفان به منظور برانداختن حکومت عین الدوله برخیزند.

واقعه چنین بود که در سال ۱۳۲۴ قمری پرنس اوفع الدوله سفیر ایران در عثمانی به تهران احضار شد.

غرض شاه و عین الدوله این بود که پولی از او بگیرند و از مداخل فراوانی که در روسیه و عثمانی به جیب زده بود؛ چیزی بازستانند. پرنس ارفع که سفارت استانبول و مداخل و امتیازات آن را با هیچ مقامی معاوضه نمی کرد در ایام گرمای سخت به تهران آمد و تهدید به عزل و بیکاری شد. ناچار قبول کرد یکصد هزار تومان بدهد و وزارت خارجه را برعهده بگیرد یا پنجاه هزار تومان بدهد و به مقام خود بازگردد.

عین الدوله پیشنهاد او را به مشیرالدوله پیغام داد و نظر او را خواست. این پیغام که به اصطلاح به منزله حسن طلب بود، مشیرالدوله را به فکر چاره انداخت. با آن که او خود از استفاده چیان بزرگ بود ولی با خست و امساک که داشت؛ دادن صد هزار تومان برایش کاری دشوار بود ولی مشیرالملک و موتمن الملک در مقام مصلحت و نصیحت پدر را گفتند «اگر ارفع الدوله وزیر خارجه شود کار ما زار خواهد شد ولی اگر پولی در این مقام بدهیم نصف آن را از خود ارفع الدوله در می آوریم و نصف دیگر را از محل های دیگر!!!»

مشیرالدوله ناچار حواله صد هزار تومان به تجارتخانه تومانیاس صادر شده به وسیله

مناسب مردم جنگدیده و طعم شکست چشیده روسیه، شوق و شغف فوق العاده داشتند این شوق عمومی موجب شده بود که پادشاه ایران را پرشورتر و صمیمانه تر استقبال کنند در این میان برخی از ایرانیان چاپلوس و معتقد به تفأل، متارکه جنگ را تأثیر قدوم شاه می دانستند!

هنگامی که مظفرالدین شاه مراجعت می کرد، مشیرالملک تا سرحد ایران ملازم رکاب بود و یک آلبوم ظریف جلد مینا کاری به شاه پیشکش نمود. در مرز از وی کسب اجاره نمود که مدتی به ایران بیاید. او در حدود یک ماه پس از مراجعت شاه کارهای سفارت را به علی قلی خان انصاری (مشاور الممالک) عضو مقدم سفارت تحویل داد و به تهران آمد.

در این زمان اروپا به سرعت در صنایع مختلف پیشرفت می کرد و هر روز در صنعت، طرح تازه ای ارائه می گردید. در صنعت نساجی هم برادران آرک رایت مبادرت به اختراع ماشین بافندگی نمودند که می توانست در یک شیفت کاری حدود ۶۰ متر پارچه ببافد. این عمل غوغایی به پا کرد و سپس آن دستگاه را به هندوستان بردند و با استفاده از کارگران ارزان قیمت هندی و استفاده از پنبه هند که یک اینچ طول داشت و قیمت مناسبی داشت به تولید پارچه های پنبه ای مانند چیت پرداختند؛ پارچه ای که یک کارگر ایرانی در یک شیفت کار ۶ متر می بافت. با تهیه این نوع پارچه و آوردن آن به ایران با یک پنجم قیمت پارچه های مشابه ایرانی، توانستند بازار را به دست بگیرند در واقع انگلیس با این کار کسب و کار بافندگی در ایران را تا حدود بسیاری فلج کرد و از کار انداخت. این کار باعث شد دارندگان ماشین های دستی چوبی دستگاه های خود را زیر دیگ آتش بسوزانند و بیکار بمانند.

بازگشت مشیرالملک به تهران با قیام روحانیون و بازاریان علیه علاءالدوله همزمان بود. این قیام و حوادث مسجد شاه و قتل طالب و تیراندازی به مردم و مهاجرت روحانیون را به

در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا، مشیرالملک به سمت منشی گری اتابک عازم اروپا شد. او و مهندس الممالک غفاری وزیر معادن و مخم الدوله وزیر مختار ایران در اتازونی جداگانه از ایران حرکت کردند و در بادکوبه به موکب شاه پیوستند. این سفر از ۲۷ ذی حجه ۱۳۱۷ قمری شروع و تا ۲ شعبان ۱۳۱۸ قمری طول کشید.

در سفر دوم شاه که از ۲۷ ذی حجه ۱۳۱۷ قمری آغاز شد و تا ۲۰ رجب ۱۳۲۰ قمری ادامه یافت، مشیرالدوله باز هم ملتزم رکاب شاهانه بود. در این سفر آلمان، ایتالیا، انگلیس، فرانسه، اتریش و قفقاز را بازدید کرد و در آستارا به پیشنهاد اتابک برای وزیر مختاری ایران در پترزبورگ برگزیده شد و هنگام شرفیابی حضور شاه، سفارش ها و توصیه های لازم به او شد، شاه یک سنجاق کراوات جواهر نشان به او داد و وی عازم پترزبورگ گردید.

قرارداد قرضه دوم که در نوامبر ۱۹۰۱ به وسیله مسیو نوز در تهران منعقد شده بود در زمان وزارت مختاری مشیرالملک در روسیه منتشر گردید و امتیازات و شرایط قرارداد به مرحله عمل درآمد.

وزارت مختاری روسیه در آن زمان یکی از حساس ترین مقام های سیاسی دولت ایران بود و مشیرالملک با آن که جوان بود اما رفتار آبرومندانه اش به حیثیت سیاسی مأموران دولت ایران افزود.

در پایان سفر سوم شاه به فرنگ، مشیرالملک تا بادکوبه به استقبال رت. تشریفات پذیرایی از شاه در روسیه و پیشواز باشکوه از او در پترهوف و پترزبورگ از طرف نیکلا- امپراتور روسیه- و احترامات فوق العاده به صدا درآمدن ناقوس کلیساهای بزرگ به احترام شاه ایران، مشیرالملک را بیشتر محل عنایت مظفرالدین شاه قرار داد. در کلیه ملاقات های شاه با امپراتور و سران کشور روسیه مشیرالملک حضور داشت و مترجمی نیز برعهده او بود.

ورود شاه به پترزبورگ مصادف با امضای قرارداد صلح بین روسیه و ژاپن بود. به همین

مشیرالملک و موتمن الملک برای عین الدوله فرستاد. عین الدوله ۸۰ هزار تومان برای شاه برداشت و مابقی را که سهم خودش بود مرجوع کرد و بسیار پدرا نه با فرزندان مشیرالدوله رفتار نمود.

وقتی مشیرالملک و برادرش جریان کار را به اطلاع پدر رساندند گفت: «عین الدوله گمان این قدر پول برای ما نداشت حالا که به این آسانی ۸۰ هزار تومان از ما گرفت، فردا بهانه دیگری می جوید و بعد از من شما صاحب یکشاهی نخواهید بود!» به همین مناسبت مشیرالدوله و فرزندان کینه عین الدوله را در دل گرفتند و پنهانی به تقویت مخالفان او برخاستند و ده هزار تومان به منظور کمک به مخالفان عین الدوله توسط مشیرالملک به سیدعبداله بهبهانی فرستادند.

بالاخره پس از کشمکش های بسیار مخالفان دولت و مهاجرت قم و تحصن مردم در سفارت انگلیس در سال ۱۳۲۴ قمری عین الدوله مستعفی و محرمانه به فریمان خراسان تبعید شد. مشیرالدوله به ریاست وزرای منصوب گردید و سپس دستخط مشروطیت صادر شد. مشیرالملک فرمان مشروطه را به سفارت انگلیس برده برای پناهندگان خوانده و پس از قرائت فرمان، سیدعبدالحسین واعظ، خطابه مفصلی درباره عدالت و آزادی ایراد نمود و عنایات شاه و عفو عمومی متحصنان و مقصران حوادث تحصن و قبل از تحصن مشروطه را به اطلاع پناهندگان رسانید.

در ادامه جمعی از مردان فرنگ رفته و مطلع و حقوق دان از طرف مشیرالدوله به رستم آباد شمیران دعوت شدند و مأمور تنظیم نظامنامه انتخابات گردیدند. م

شیرالملک یکی از اعضای موثر این کمیسیون بود و در تنظیم قانون اساسی و متمم آن نیز یکی از ارکان موثر کار محسوب می شد. در هفته های آخر زندگی مظفرالدین شاه که محمدعلی شاه به تهران آمد، مشیرالملک و محتشم السلطنه و گاهی مخبرالسلطنه رابط بین او و مجلس بودند تا بالاخره قانون اساسی

به امضای شاه و ولیعهد رسید و شاه محتضر پس از توشیح قانون اساسی درگذشت.

پس از درگذشت شاه، همین که محمدعلی شاه رسماً تاج گذاری نمود؛ مشیرالملک که هنوز سمت وزیرمختار ایران در روسیه را داشت به عنوان سفیر فوق العاده برای اعلام سلطنت محمدعلی شاه به اتفاق صفاءالملک و میرزا عبدالله خان مستوفی عازم روسیه، انگلیس و فرانسه شد.

در این مسافرت به حضور نیکلا امپراتور روسیه، ادوارد هفتم شاه انگلیس و فالیر رئیس جمهور فرانسه رسیده و پیام و نامه های محمدعلی شاه و ملکه جهان را تقدیم کرد. در لندن از طرف پادشاه انگلیس در قصر باکینگهام و در پاریس از طرف رئیس جمهور فرانسه در قصر الیزه، مشیرالملک و همراهانش به شام رسمی دعوت شدند.

مشیرالملک در پترزبورگ بود که خبر فوت مشیرالدوله و قتل آتابک را شنید و به سرعت عازم تهران شد مورد ملاحظت محمدعلی شاه قرار گرفت و شاه لقب «مشیرالدوله» را به او داد و در کابینه ناصرالملک به وزارت خارجه منصوب گردید.

وقتی مشیرالدوله در کابینه به نیاتی که داشت نرسید، او با سردار سپه دچار اخلاف گردید و یارای مقاومت در خود ندید. سال ۱۳۰۲ قمری به حضور شاه در صاحبقرانیه شرفیاب شد و استعفای خود را تقدیم کرد شاه قبول نکرد و او هم به شاه قول داد به کارهای خود ادامه دهد ولی از کاخ سلطنتی که برگشت رو پنهان کرد و در برابر تلفن های شاه رو نشان نداد و سردار سپه به ریاست وزرا رسید.

مشیرالدوله در دوره دوم از گرگان و در دوره های سوم تا هفتم از تهران انتخاب شد ولی وکالت دوره ششم و هفتم را نپذیرفت و از سال ۱۳۰۵ قمری زندگی سیاسی خود را در نورید و خدمات فرهنگی خویش را آغاز کرد.

در این موقعیت که مردم در کشاکش مشروطه خواهی بودند عده ای از سرمایه داران اصفهانی به فکر احداث و ایجاد کارخانه های

نساجی افتادند چون در اروپا ماشین های بافندگی و ریسندگی را به حد وفور تولید و تهیه نمودند تسهیلات زیادی در اختیار سرمایه داران و تجار ایرانی قرار دادند و چندین کارخانه در اصفهان بنا شد که بزرگترین آن را برادران همدانیان به نام کارخانه صنایع پشم در خیابان چهارباغ بالا در یک سطح وسیع و جالب به وجود آوردند و با خرید ماشین آلات پشم رسی و حالجی، ماشین آلات تکمیل و یک خط کامل رنگریزی جهت رنگ های صنعتی و پیاده کردن آنها روی پشم به تولید پارچه های الوان و جذاب پرداختند.

این کارخانه پس از نصب و راه اندازی تصمیم به استخدام کارگران مجرب برآمد و علاوه بر مزد یک شیفت کاری به هر کدام از کارگران کم سال ۴ قرص نان، به زنان کارگر ۶ قرص نان و به مردان متأهل ۸ قرص نان رایگان اهدا می کردند چون در آن زمان اصفهان در قحطی عظیم گرفتار شده بود و این اقدام برادران همدانیان در افزایش روحیه مردم و کارگران بسیار موثر بود.

پس از فتح تهران، مشیرالدوله به نمایندگی از استرآباد به مجلس راه یافت، ولی به دلیل پذیرش مسئولیت وزارت عدلیه در کابینه سپهدار از نمایندگی استعفا کرد. در ترمیم کابینه در ۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۹ به وزارت تجارت رسید [۶] و با استعفای کابینه در تیر ۱۲۸۹ او هم کنار رفت تا اینکه سپهدار بار دیگر در اسفند همان سال عهده دار تشکیل دولت شد و وزارت عدلیه را به مشیرالدوله سپرد.

در دوران وزارت عدلیه پیشنهاد تدوین قانون مجازات عمومی را مشیرالدوله برای نخستین بار مطرح کرد. او در اول خرداد ۱۲۹۰ به مجلس پیشنهاد داد کمیسیون ویژه ای که شمار اعضای اش از شش نفر کمتر نباشد، برای تدوین قانونی برای مجازات های عرفی (به معنی مجازات اقداماتی که بر ضد قوانین مملکتی می شود) تشکیل شود.

مشیرالدوله همراه با سید حسن مدرس نخستین قانون آیین دادرسی مدنی ایران را به

نام «اصول محاکمات حقوقی» نوشت.

تا پیش از آن، روحانیونی که حاکم شرع بودند به دعای حقوقی رسیدگی می کردند که به دلیل تفاوت فتواها و آرای فقهی و همچنین نبود نظارت، در موارد زیادی باعث صدور آرای ناحق و ناهمگون می شد.

پس از تشکیل عدلیه و روی کار آمدن نظام مشروطه هم قضات به دلیل نبود قوانین مدون، طرفین دعوا را به روحانیون حاکم شرع ارجاع می دادند.

سید حسن مدرس و مشیرالدوله در دوره دوم مجلس شورای ملی «اصول محاکمات حقوقی» را تدوین کردند که به این آشفتگی پایان داد و به رسیدگی به دعاوی مدنی سامان بخشید. این قانون در هجدهم آبان ۱۲۹۰ به تصویب مجلس رسید و مبنای کار محاکم حقوقی شد. قانون آیین دادرسی مدنی نیز که در سال ۱۳۲۹ به تصویب رسید، برپایه همین قانون نوشته شد.

سپهدار تنکابنی در ترمیم کابینه اش در ۲۶ تیر ۱۲۹۰ وزارت عدلیه را به قوام السلطنه داد و وزارت پست و تلگراف و تجارت را به مشیرالدوله سپرد. او توجیه این تصمیم را «کسالت و نقاهت» مشیرالدوله عنوان کرد اما دولت سپهدار چند روز بعد کنار رفت و مصمصام السلطنه جایش را گرفت و مشیرالدوله را به عنوان وزیر عدلیه به مجلس معرفی کرد. هر چند دوباره با ترمیم کابینه اش در ۲۹ آبان وزارت معارف را به او داد. مشیرالدوله در تنظیم قانون اساسی و متمم آن و تدوین نظامنامه انتخابات در دوره اول مجلس و تنظیم قانون تشکیلات عدلیه و اصول محاکمات در سال ۱۳۲۸ قمری و تدوین نظامنامه محاکمات نظامی تلاش بسیار نمود و سازمان عدلیه را مختصر سر و سامانی داد، اقدامات اصلاحی او در عدلیه نشان روحیه قانون خواهی او بود اما در آغاز کار خود در عدلیه، گروهی از قضات را بدون محاکمه و ثبوت تقصیر از دادگستری بیرون راند و این عمل او نظیر محدودیتی که در شرایط انتخاب کنندگان دوره پنجم قائل شد با قانون اساسی مغایرت

داشت.

طرفداران متعصب مشیرالدوله اینگونه اقدامات را دلیل بر آن می دانستند که او مصلحت عمومی را مقدم بر قانون اساسی می داند اما شکستن حدود قانون اساسی از طرف یک وزیر یا رئیس الوزرا خود بزرگترین قدم بر خلاف مصلحت عمومی بود.

گرچه مشیرالدوله در کارهایش حسن نیت داشت ولی وقتی هیچ اصله در کشور ثابت نماند و استوارترین ارکان قانون به سلیقه شخصی قابل نقض و لگدکوبی شد، امنیت اجتماعی و قضایی مردم متزلزل گردید و حکومت مشروطه اثر خود را از دست داد به همین دلیل در بهمن سال ۱۳۰۵ قمری که داور، عدلیه را محل کرد و کمیسیون برای اصلاح قوانین دادگستری تشکیل داد. ریاست این کمیسیون با مشیرالدوله بود و با داور صمیمانه همفکری کرد.

مشیرالدوله در کلیه مشاغل، پاک زیست و غبار تهمت و افترا بر دامانش ننشست و به ناپاکی هم نیازی نداشت زیرا پدرش از طریق مشروع و نامشروع سرمایه بسیار اندوخته و زندگی فرزندان را به نحو احسن تأمین نموده و مشیرالدوله از سرمایه داران بود.

وی در سیاست خارجی و داخلی، نیکنامی خود را حفظ کرد و تا حدی بیطرف و میانه رو بود. در کارها حسن نیت داشت و به صدد انجام خدمتی بود اما زودرنجی و علاقه مندی به حسن شهرت و مصلحت شخصی او را یک سیاستمدار جبون بار آورده بود. در خدمتگذاری به کشور چندان فداکاری از خود نشان نمی داد و هر وقت حوادث سهمگین روی می آورد یا پیشامدی می شد که با حیثیت سیاسی و شخصی او برخورد می نمود فوراً استعفا می داد و نیکنامی را بر خدمتگذاری ترجیح می نهاد. چنان که در موقع کنفرانس صلح پاریس احمدشاه و وثوق الدوله به او اصرار ورزیدند که ریاست هیئت نمایندگی ایران را قبول کند اما نپذیرفت زیرا می ترسید شکستی پیش بیاید و به وجاهت ملی او لطمه بزند.

کار شایسته او تأسیس مدرسه علوم ساسی و

اصلاح قوانین دادگستری و شرکت در تنظیم قانون اساسی و نظامنامه مجلس بود. بالاترین خبط سیاسی او، ملایمت و ضعفی بود که با داشتن سمت وزارت خارجه در برابر قرارداد ۱۹۰۷ نشان داد.

مشیرالدوله با سرمایه بزرگی که داشت تظاهر به ثروتمندی نمی کرد و با صرفه جویی زندگی را می گذراند. از سرمایه خود بدون تظاهر به اشخاص کمک می کرد ولی از آن سرمایه بزرگ یک موسسه خیریه با مدرسه و درمانگاه ایجاد نمود. او از شرکت نفت هم بابت سهامی که میرزا نصراله خان هنگام انعقاد قرارداد دارسی به چنگ آورده بود سالیانه درآمد قابل توجهی داشت.

مشیرالدوله به شعائر مذهبی احترام می گذاشت و سیاست پیشه های باتقوا بود، نویسندگان را گرامی می داشت و بیشتر اوقات فراغت را به مطالعه کتاب می گذراند.

وی جزو معدود رجال تحصیل کرده زمان خود محسوب می شد و با تنظیم تاریخ ایران باستان که نتیجه سال ها رنج محققانه وی می باشد به تاریخ و فرهنگ کشور خدمت کرد و کارخانه ایران باستان را تا پایان دوره اشکانیان با روش تحقیقی روشن نمود همین تاریخ برای شناساندن مقام علمی او کافی است گرچه طرز تحریرش خشک و کسل کننده است.

دیگر آثار مشیرالدوله، کتاب حقوق بین الملل است. این کتاب متن دروسی است که در مدت دو سال در مدرسه علوم سیاسی تدریس کرده است.

کتابی هم به نام داستان های ایران قدیم قبل از کتاب تاریخ ایران باستان تألیف نموده است. نوشته های کوتاه و نامه ای نیز دارد که همه معرف فهم و ادراک سیاسی و پایه تحصیلات اوست. زبان فرانسه و روسی را به خوبی می دانست ولی در این دو زبان اثری به جای نگذاشته است.

مشیرالدوله سال ۱۳۱۴ در منزل شخصی خود درگذشت و در امامزاده صالح تجریش مدفون شد.